

کوردستان

ارگان کیمه مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ٦٨٤، دوشنبه ١٥ شهریور ١٣٩٥، ٥ سپتامبر ٢٠١٦، ٥٠٠ تومان

تلاش برای تیمار اسبی مرده
رسانه، بحران و فساد اقتصادی

ص ٥

استمرار عملیات‌های
عقاب‌های زاگرس
در کردستان

ص ٣

پیوستن جوانان کرد
به «راسان» حزب دمکرات
ادامه دارد

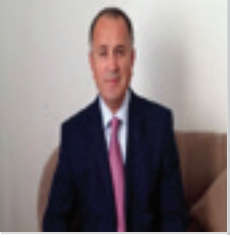
ص ٢

www.kurdistanmedia.com



لورها، از سرکوب تا تحقیر

٧



کردستان و «ابوزیسیون
سراسری»

٦



متن سخنان مصطفی
هجری، در سمینار
کنگره‌ی
ملیت‌های ایران فدرال

٤



سمینار «وضعیت خاورمیانه،
اکنون و آینده‌ی ایران»
در آلمان برگزار شد

٢

سفن

پراکنش کردن
اراده‌ی انقلابی

کریم پرویزی

اساس هر جنبش و قیامی، رهبری آن است تا بتواند به عنوان سر جنبش، بخش‌های دیگر قیام را هماهنگ کرده و بدنه‌ی جنبش را به سمت افق مورد نظر هدایت و رهبری کند.

خلأ رهبری انقلابی و دلیر، که بخش‌های مختلف جنبش را در شرایط گوناگون هماهنگ کند و با اراده‌ی راسخ جنبش را از مرحله‌ای به مرحله‌ی دیگر هدایت نماید، قیام و جنبش را با شکست و انحطاط روبرو می‌سازد. اما وجود رهبری توانمند و با اراده که اهداف و آرزوهای روشن و مشخصی دارد و توان انتقال آن را به تمام بخش‌های جنبش داشته باشد، خواهد توانست انرژی و توان تک افراد انقلابی را متمرکز کرده و با تجمع و مضاعف کردن آن، مراحل دشوار شورش و قیام را پشت سر گذاشته و امید و آرزوهای جنبش را محقق سازد.

دکتر سعید شرفکندی رهبری شایسته و دلیر با عزمی راسخ بود که چه آن هنگام که به عنوان معاون شهید دکتر قاسملو نقش هماهنگ‌کننده‌ی نیروهای مبارز دمکرات را ایفا می‌کرد و چه آن هنگام که جانشین دکتر قاسملو شد و به عنوان مغز هدایت‌کننده، قیام مبارزین را هماهنگ می‌نمود، آرزوهای مشخصی را به آنان نشان می‌داد و اراده‌ی انقلابی‌شان را پراکنش می‌کرد و آنان را تشویق می‌کرد که همچون خود وی همواره در مسیر مبارزه‌ی حقیقی، فداکارانه تبلیاش نمایند.

دکتر سعید استوار و با اراده، در بیشتر مواقع در سخنانش که برای پیشبرد جنبش ارائه می‌کرد، به نقش و جایگاه انقلاب و انقلابیون و

ادامه در صفحه‌ی ٣

راسان

دروازه‌های به روی ملیت‌های ایران می‌گشاید



کومله‌ی کردستان ایران در کنگره، طی سخنانی تأثیر مداخلات بین‌المللی رژیم در داخل کشور را بسیار زیان‌بار خواند و تأکید نمود که این سیاست بر وضعیت مردم از جنبه‌های مختلف تأثیر منفی داشته است. در بخش پایانی سمینار، رئوف کعبی، فعال سیاسی چپ بر ضرورت وجود کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال تأکید کرد و گفت: باید عملکرد اخیر کنگره مورد نقد و بازبینی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که چرا تاکنون نتوانسته حوزه‌ی فعالیت خود را وسعت بخشد و احزابی را که خود را سراسری می‌دانند در خود جای دهد. مشروح این خبر و همچنین بیانات آقای مصطفی هجری دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران در سمینار مزبور، در صفحات ٢ و ٤ این شماره آمده است.

هجری گفتند باید مدنظر قرار گیرد، چون نیروهای سرکوبگر ویژه‌ای وجود دارند و باید این نیروی قدرتمند در میان ابوزیسیون و به ویژه ملیت‌ها ایجاد شود. در پائل دوم، ابتدا عباس خرسندی، سخنگوی خارج از کشور جبهه‌ی دمکراتیک ایران جامعه‌ی ایران را جامعه‌ای ناراضی و دارای پتانسیل‌های مبارزاتی فراوان خواند که باید به جنبش‌های مدنی و مردمی آن بیشتر توجه کرد و اگر جنبش‌های مدنی کم آوردند، باید مبارزه‌ی مسلحانه را تقویت نمود. در ادامه، دکتر ضیاء صدرا لاشرافی از سازمان فرهنگی – سیاسی آذربایجان طی سخنانی، جمهوری اسلامی را به دلیل هویت ایدئولوژیک و دینی خود اساساً اصلاح‌ناپذیر خواند. سپس بختیار علیار نماینده حزب

سخنران بعدی، یاسین اهوازی از حزب تضامن دمکراتیک اهواز بود که طی سخنانی اظهار داشت: سرکوب علیه ملیت‌ها در ایران مضاعف است، اما ابوزیسیون مرکزگرا این سرکوب مضاعف را نمی‌پذیرد و قادر به تأمین حقوق ما نمی‌باشد و سخن از ترس تجزیه‌ی ایران می‌گوید و همه می‌دانند که این دلایل برای عدم احقاق حقوق ملیت‌ها کافی نمی‌باشند. پس از وی، ناصر بلیده‌ای از حزب مردم بلوچستان در سخنانی به هراس جریانات مرکزگرا از بالکانیزه شدن ایران اشاره نموده و در رد این ادعا اعلام کرد: امروز کشورهای استقلال یافته در بالکان برخی به اتحادیه‌ی اروپا نیز پیوسته‌اند و کشورهایی دمکراتیک هستند. وی همچنین خاطر نشان کرد: قدرتمند شدن این ابوزیسیون همانطور که آقای

نیروی تأثیرگذار تبدیل شویم. دبیرکل حزب همچنین افزود: براساس این تحلیل، حزب دمکرات کردستان ایران دو سال پیش به این نتیجه رسید که در این راستا گام بردارد و این نیروی تأثیرگذار را نه تنها برای حزب دمکرات، بلکه برای ملت کرد و تمامی آزادخواهان ایران ایجاد کند. دبیرکل حزب دمکرات در این راستا بر اتحاد میان احزاب کردستانی و ایرانی تأکید و عنوان نمود: ما می‌خواهیم کردستان به یک نیروی پشتیبان تبدیل شود و مبارزات مردم روز به روز گسترده‌تر شود. در همین پائل، شهریار آهی، شخصیت سیاسی ایرانی عضو اتحاد برای دمکراسی در ایران نیز طی سخنانی از کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال خواست که هماهنگی‌های لازم برای آزادی همه ملیت‌های ایران را انجام دهند.

نمایندگان ملیت‌های تحت ستم ایران در فرانکفورت، ضمن حمایت از خیزش حق‌طلبانه‌ی کردستان ایران (راسان) به رهبری حزب دمکرات، بر لزوم همبستگی مبارزاتی علیه رژیم جمهوری اسلامی تأکید نمودند. روز شنبه ششم شهریورماه، سمینار کنگره ملیت‌های ایران فدرال تحت عنوان "وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران" با حضور نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی ابوزیسیون ایران و فعالان سیاسی خارج از کشور در شهر فرانکفورت آلمان آغاز به کار نمود. در پائل اول این سمینار، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران طی سخنانی با اشاره به وضعیت خاورمیانه اعلام کرد: جمهوری اسلامی در مقابل قدرت به زانو درمی‌آید و بنابراین ما باید به

سمینار «وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران» در آلمان برگزار شد



سمینار کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال تحت عنوان "وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران" در شهر فرانکفورت آلمان آغاز به کار کرد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، روز شنبه ششم شهریورماه، سمینار کنگره ملیت‌های ایران فدرال تحت عنوان "وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران" با حضور نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون ایران و فعالان سیاسی خارج از کشور در شهر فرانکفورت آلمان آغاز به کار نمود.

در پائل اول این سمینار، شهریار آهی، شخصیت سیاسی ایرانی عضو اتحاد برای دموکراسی در ایران طی سخنانی بر لزوم مبارزه‌ی همگانی با جمهوری اسلامی تأکید نموده و در این راستا به لزوم اتحاد و همبستگی میان جریانات سیاسی اپوزیسیون اشاره نمود.

وی در پایان سخنان خود از کنگره ملیت‌های ایران فدرال خواست که هماهنگی‌های لازم برای آزادی همه ملیت‌های ایران را انجام دهند.

سخنران بعدی این پائل، مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران بود.

آقای هجری طی سخنانی با اشاره به

وضعیت خاورمیانه اعلام کرد: آینده‌ی خاورمیانه از آن ملیت‌های تحت ستم خواهد بود و در غیر اینصورت با مواردی از توسل به زور و تجزیهطلبی روبرو خواهیم شد که همه‌ی این موارد هزینه‌بر خواهند بود. دبیرکل حزب دمکرات گفت: اگر انتظار داشته باشیم که تغییری در چهارچوب جمهوری اسلامی روی دهد و حقوق ملیت‌های ایران تأمین شود، تجربه نشان داده است که این انتظاری بیهوده است، زیرا اساس جمهوری اسلامی با این مسأله و مسأله‌ی حقوق ملیت‌ها در تضاد است.

آقای هجری همچنین خاطر نشان کرد: جمهوری اسلامی در مقابل قدرت به زانو درمی‌آید و بنابراین ما باید به نیروی تأثیرگذار تبدیل شویم.

وی برای مثال عنوان نمود که در جنگ میان ایران و عراق که رژیم روبه ضعف می‌رفت، قطعنامه‌ی آتش‌بس را قبول کرد و مسئولان رژیم جام زهر را سرکشیدند. همچنین توافق برجام نیز نشان داد که رژیم در مقابل قدرت به زانو درمی‌آید.

دبیرکل حزب همچنین افزود: براساس این تحلیل حزب دمکرات کردستان ایران دو سال پیش به این نتیجه رسید

که در این راستا گام بردارد و این نیروی تأثیرگذار را ایجاد کند، نه تنها برای حزب دمکرات بلکه برای ملت کرد و همه آزادیخواهان ایران.

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران تأکید کرد: "بر همین اساس حزب دمکرات بر میزان حضور پیشمرگه‌ها در کردستان افزود و در کنار پیشمرگه‌ها مردم نیز حضور دارند و همچنین ما تصمیم گرفتیم در کنار حضور پیشمرگه‌ها تفکر مردم را نیز تغییر بدهیم و معتقدیم تنها با حضور پیشمرگه‌ها نیست که ما قادر به آزادسازی و رهایی هستیم بلکه مردم نیز باید در راستای آزادی گام بردارند.

آقای هجری همچنین افزود: حزب دمکرات قصد دارد پیش از اضمحلال جمهوری اسلامی، رستاخیزی با حضور مردم ایجاد کند؛ هرچند ما در ابتدای این مرحله هستیم ولی با این وجود نیز طی این مدت کم تغییراتی ایجاد کرده‌ایم و تغییراتی به وجود آمده است.

دبیرکل حزب دمکرات در این راستا بر اتحاد میان احزاب کردستانی و ایرانی تأکید و عنوان نمود: ما می‌خواهیم کردستان به یک نیروی پشتیبان تبدیل شود و مبارزات مردم روز به روز گسترده‌تر شود.

آقای هجری در پایان سخنان خود، بر هماهنگی میان مبارزات ملیت‌های ایران تأکید نموده و ابراز امیدواری کرد که این مبارزات به نتیجه‌ی مطلوب خویش برسند.

نفر بعدی این پائل، یاسین اهوازی از حزب تضامن دمکراتیک اهواز بود که طی سخنان خود به عدم وجود اپوزیسیون سراسری اشاره کرد و گفت: ما ملیت‌ها کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال را تشکیل دادیم که استراتژی مشخصی دارد و احزاب و جریانات ملیت‌های ایران را دور هم جمع نموده است و در این راستا به مبارزه ادامه می‌دهیم.

این فعال سیاسی اهوازی اضافه نمود که سرکوب علیه ملیت‌ها در ایران مضاعف است، اما اپوزیسیون مرکزگرا این سرکوب مضاعف را نمی‌پذیرد و قادر به تأمین حقوق ما نمی‌باشد و سخن از ترس تجزیه‌ی ایران می‌گوید و همه می‌دانند که این دلایل برای عدم احقاق حقوق ملیت‌ها کافی نمی‌باشند.

یاسین اهوازی همچنین به عدم اعتماد میان اپوزیسیون سراسری و اپوزیسیون ملیت‌ها اشاره نموده و این سؤال را مطرح کرد که چرا با وجود چنین همایش‌هایی تاکنون نتوانستیم اعتمادی میان این دو جریان اپوزیسیون را به وجود بیاوریم و چگونه باید عمل کرد تا این اعتماد را ایجاد کنیم.

نفر چهارم که در این پائل به ایراد سخنرانی پرداخت، ناصر بلیده‌ای از حزب مردم بلوچستان بود، وی عنوان نمود خاورمیانه به گونه‌ای شکل گرفته است که همیشه نزاع وجود دارد و با تغییر سیاست قدرت‌ها و سیاست‌های جهانی این تنش‌ها افزایش پیدا می‌کنند.

بلیده‌ای به دو مسأله اشاره کرد که از سوی برخی جریانات مطرح می‌شود؛ برای مثال ترس از بالکنیزه شدن ایران به این معنی که ایران تجزیه می‌شود. وی در رد این ادعا اعلام کرد: امروز کشورهای استقلال یافته در بالکان برخی به اتحادیه‌ی اروپا نیز پیوسته‌اند و کشورهای دموکراتیک هستند.

ناصر بلیده‌ای در ادامه‌ی سخنان خود

اظهار داشت: ما باید مسائل خود را براساس حقوق انسانی حل کنیم نه اینکه فاکتورهای مانند تجزیهطلبی یا تمامیت ارضی و دیگر مسائل مطرح شوند.

وی خاطر نشان کرد: قدرتمند شدن این اپوزیسیون همانطور که آقای هجری گفتند باید مدنظر قرار گیرد، چون نیروهای سرکوبگر ویژه‌ای وجود دارند و باید این نیروی قدرتمند در میان اپوزیسیون و به ویژه ملیت‌ها ایجاد شود.

وی در پایان بر اتحاد نیروهای سیاسی تأکید و اظهار داشت: من نیز معتقدم که باید مبارزه با جمهوری اسلامی همهجانبه و چند بُعدی باشد و از تمامی شیوه‌های مبارزه استفاده کنیم.

پائل اول سمینار کنگره ملیت‌های ایران فدرال با پرسش و پاسخ میان شرکت‌کنندگان و سخنرانان پایان یافت. پائل دوم سمینار تحت عنوان "دخالت‌های مخرب جمهوری اسلامی در منطقه و ارتباط آن با سرکوب مردمان ایران بعد از ظهر روز شنبه ششم شهریورماه در آغاز به کار کرد.

ابتدا عباس خرسندی، سخنگوی خارج از کشور جبهه‌ی دمکراتیک ایران طی سخنانی اظهار داشت: جمهوری اسلامی از آغاز یک پروژه بود و یک رژیم‌ی بود که از سوی مردم انتخاب نگردید، بلکه از سوی کشورهای خارجی بر سرکار آمد و پدیده‌ای نیمه اجتماعی بود که به دلیل ستم‌های رژیم شاهنشاهی ظهور نمود و در کل برسرکار آمدن آن به دلیل تحولات منطقه‌ای و جهانی بود.

سخنگوی خارج از کشور جبهه‌ی دمکراتیک ایران خاطرنشان کرد: جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای ناراضی می‌باشد و دارای پتانسیل‌های فراوان برای مبارز و پیشبرد آن هستند و به همین جهت باید به جنبش‌های مدنی و مردمی بیشتر توجه کرد کاری که امروزه کمتر صورت می‌گیرد.

عباس خرسندی گفت: اگر جنبش‌های مدنی کم آورند، باید مبارزه مسلحانه تقویت نماید.

در ادامه این سمینار، دکتر ضیاء صدرالاشراقی از سازمان فرهنگی –

سیاسی آذربایجان به ایراد سخنرانی پرداختند.

وی به یکی از خصلت‌های رژیم اشاره نمودند که در داخل و خارج از کشور بحران‌زایی می‌کند و هدف اصلی این بحران‌زایی هم توسعهطلبی است که در هویت رژیم اسلامی ایران نهفته است.

دکتر ضیاء صدرالاشراقی اعلام کرد: جمهوری اسلامی به دلیل هویت ایدئولوژیک و دینی خود اصلاً اصلاح‌پذیر نیست.

سخنران بعدی سمینار، بختیار علیار نماینده حزب کومله‌ی کردستان ایران در کنگره بودند.

وی وضعیت خاورمیانه را بغرنج خواند و به مسأله‌ی سرمایه‌داری نوین و سرمایه‌داری نفت اشاره نمود.

نمایندگی حزب کومله کردستان ایران می‌گوید: ذهنیت رژیم در گذشته و حال اینگونه بوده است که امنیت داخل را باید با تخریب امنیت کشورهای دیگر تأمین نماید و نمونه آشکار آن دخالت در امور کشور سوریه می‌باشد.

علیار در ادامه اظهار داشت: نتیجه‌ی این سیاست‌های رژیم در داخل بسیار زیان‌بار بوده است و بر وضعیت مردم از جنبه‌های مختلف تأثیر منفی داشته است.

آخرین سخنران سمینار، رثوف کبعی، فعال سیاسی چپ بود، او در سخنان خود به این مسأله اشاره کرد که سیاست‌های خارجی رژیم منعکسکننده‌ی سیاست‌های داخلی آن می‌باشد و آن نیز در راستای حفظ رژیم و سرکوب مردم است.

ایشان در پایان بر ضرورت وجود کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال تأکید کرد و گفت: باید عملکرد اخیر کنگره مورد نقد و بازبینی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که چرا تاکنون نتوانسته حوزه‌ی فعالیت خود را وسعت بخشد و احزابی را که خود را سراسری می‌دانند در خود جای دهد.

بخش پایانی این پائل به پرسش و پاسخ میان شرکت‌کنندگان و سخنرانان اختصاص یافت.

پیوستن جوانان کرد به "راسان" حزب دمکرات ادامه دارد



در بخش دیگری از این مراسم، سرودی حماسی از سوی شرکت‌کنندگان دوره اجرا گردید. همچنین در ادامه این مراسم، شعری تحت عنوان "سه‌نگه‌ری به‌رز" توسط عمر فخرالدین‌فر دکلمه گردید. در پایان این مراسم با اهداء جایزه از پیشمرگه‌هایی که در دو زمینه‌ی "آموزشی و اخلاقی" رتبه‌های برتر را کسب کرده بودند، تقدیر بعمل آمد. این مراسم در میان شادی و سرور شرکت‌کنندگان به پایان رسید.

و کوهستان، گفت: "این حرکت ناشی از اراده‌ی مردم کردستان و به خواسته‌ی توده‌های مردم کردستان ایران بوده‌است". وی پیشمرگه را انسانی آزادپخواه خواند که تبعیض و ظلم و ستم علیه ملتش را درک نموده و در این راستا برای آزادی ملتش آماده‌ی هرگونه فداکاری می‌باشد. در این مراسم، پیام آموزشی دوره از سوی فریاد درودی، از مربیان آموزشی دوره قرائت گردید. همچنین صبح نیک‌خواه یکی از اعضای دوره‌ی ۲۲۰ پیام دوره‌ی مقدماتی ۲۲۰ را قرائت نمود.



نماینده‌ی PYD نسبت به نقش مخرب رژیم ایران در سوریه تأکید کرد و افزود: همکاری نظامی رژیم ایران با رژیم اسد نشان می‌دهد که این دو رژیم تا چه اندازه علیه ملت کرد تلاش می‌کنند. در پایان این دیدار وضعیت فعلی ملت کرد مورد بحث قرار گرفت و نماینده‌ی PYD سپاس و قدردانی حزب دمکرات را در مورد سخنان اخیر صالح مسلم مثبت ارزیابی کرد. ملت کرد را ضروری دانست.

مورد اتحاد علیه دشمنان ملت کرد و کنار گذاشتن اختلافات میان نیروهای سیاسی کردستان سوریه یادآوری نمود و در این رابطه گفتگو را بهترین گزینه برای حل مشکلات قلمداد نمود. سپس غریب حسو، ضمن ابراز خوشحالی از دیدار هیأت حزب دمکرات اظهار داشت مردم کردستان سوریه به خوبی با مبارزات حزب دمکرات آشنایی دارند و اتحاد ملت کرد را ضروری دانست.

استمرار عملیات‌های عقاب‌های زاگرس در کردستان

مزدوران رژیم انجام داده و تاکنون شمار زیادی از نیروهای رژیم را کشته و زخمی نموده‌اند. عقاب‌های زاگرس با هشدار به مزدوران رژیم در کردستان اعلام کرده‌اند: نیروهای نظامی آنان، خود را حامی جنبش مبارزاتی مردم کردستان می‌دانند و در حمایت از مردم زحمتکش کردستان، فعالیت و سرکوب و آزار و اذیت مردم توسط مزدوران رژیم را بدون پاسخ نخواهند گذاشت.

عبدالله محمدی به هلاکت رسیده است. عقاب‌های زاگرس هویت مزدوران زخمی شده را گروهیان داوودی، غفاری و کمال انجینه‌ای اعلام کرده است. عقاب‌های زاگرس می‌گویند: این ۴ مزدور رژیم در آزار و اذیت مردم منطقه نقش برجسته‌ای داشته‌اند. طی چند ماه اخیر، عقاب‌های زاگرس در سراسر کردستان ایران عملیات‌هایی علیه

عقاب‌های زاگرس طی عملیاتی در شهر بانه ۴ مزدور رژیم را هدف قرار دادند. به گزارش وبسایت کردستان میدیا، سحرگاه روز سه‌شنبه دوم شهریورماه، عقاب‌های زاگرس در جاده‌ی روستای "بله‌سن" از توابع شهر بانه به خودرویی از نیروهای رژیم حمله نموده و در نتیجه چهار تن از مزدوران رژیم را کشته و زخمی کردند. در این عملیات، یک سرگرد نیروی انتظامی رژیم به نام

بیانیه‌ی کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال در رابطه با برگزاری سمینار "وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران"



نقش ملیت‌های تحت ستم در آینده‌ی سیاسی ایران ۲- دخالت‌های مخرب جمهوری اسلامی در منطقه و ارتباط آن با سرکوب مردمان ایران کار خود را آغاز کرد. اعضای شرکت‌کننده در پنل‌ها به طور جامع مسائل ایران و

کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال در روز شنبه ۲۷ آگوست سمیناری تحت عنوان "وضعیت خاورمیانه، اکنون و آینده‌ی ایران" با حضور کارشناسان و صاحب‌نظران در شهر فرانکفورت برگزار کرد. این سمینار از دو پنل با عنوان: ۱- تحولات منطقه، ایران و

فرماندهی مزدوران بسیج: اعدام‌های سال ۶۷ بر اساس فتوای خمینی بود



سازماندهی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران» اعدام وی اعدام‌های سال ۶۷ را بر اساس فتوای خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی دانست و گفت که این فتواها دارای مبانی محکم فقهی و حقوقی است. محمدرضا نقدی افزود: «برخی از اشخاصی که فرزند آدم بزرگ و مشهوری هستند، اظهارنظر می‌کنند که کار اشتباهی است». به نظر می‌رسد که اشاره‌ی محمدرضا نقدی به صحبت‌های اخیر علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی است

در ادامه‌ی واکنش‌های مقامات جمهوری اسلامی به انتشار فایل صوتی منتظری درباره‌ی اعدام‌های سال ۶۷، رئیس سازمان ضد مردمی بسیج گفته است که این اعدام‌ها «کاملاً صحیح» و «منطبق بر موازین حقوقی، فقهی، قانونی، اسلامی، بین‌المللی و داخلی» بوده است. به گزارش خبرگزاری حکومتی ایرنا، پاسدار محمدرضا نقدی روز سه‌شنبه ۹ شهریور در حاشیه‌ی یک اجلاس در مشهد، اعدام‌شدگان سال ۶۷ را «مناقضاتی» نامید که به گفته وی، به جرم «تبانی با صدامیان و

مسئولین رژیم ایران با افتخار از اعدام‌های دهه ۶۰ سخن

انجام گرفته، به همین دلیل در رسانه های خارجی دائماً از این موضوع بحث به میان می‌آورند و در کشورهایی همچون پاریس نمایشگاهی به همین منظور برپا داشته‌اند". روز پنجشنبه ۲۵ آگوست، نمایشگاهی با نام "جنایت" از جانب شهرداری دوم پاریس، با همین مضمون و اعدام‌های آن دوران در ایران در سال ۶۷ برپا شده که در این نمایشگاه اسناد و عکس‌هایی از قربانیان این جنایات و سندی دال بر فتوای خمینی جلاد در این نمایشگاه در معرض دید همگان قرار گرفته است.

شاخص در صدور این اعدام‌ها بوده است، چندی پیش در برابر این جنایات گفته بود: "بیان این موضوع و زنده کردن جریانات آن دوره تنها تلاشی برای بی گناه نشان دادن و پاک کردن گناهان دشمنان نظام است." از سوی دیگر، اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت و یکی از اعضای مجلس خبرگان رهبری رژیم، از پخش این فایل صوتی انتقاد نمود و حمایت تمام خود را از اعدام‌ها در آن دوره اعلام نمود. نامبرده ششم شهریورماه در نشست مذکور گفته بود که "این عمل با هدفی از پیش تعیین شده از جانب دشمنانمان

پخش فایل صوتی "منتظری" در رابطه با اعدام‌های دهه ۶۰ در ایران، پس از ۲۸ سال، واکنش مسئولین رژیم را در پی داشت. بر اساس گزارش‌های رسیده، "علی مطهری"، معاون رئیس مجلس شورای اسلامی رژیم طی نامه‌ای به وزیر دادگستری دولت روحانی، خواستار شفاف‌سازی در زمینه‌ی اعدام‌های سال ۶۷ شد که در پاسخ به این خواسته، "مصطفی پور محمدی" با وقاحت تمام بیان داشته که "به نقش خودم در این جریانات در آن مقطع زمانی افتخار می‌کنم." "پورمحمدی" وزیر دادگستری دولت حسن روحانی و یکی از مسئولان جنایتکار رژیم ایران که خود یکی از چهره‌های

عاصمه جهانگیر، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران شد



وی هم در دوران حکومت ژنرال محمد ضیاءالحق و هم در دوران حکومت ژنرال پرویز مشرف مدتی را در زندان یا حصر خانگی به سر برده است. نامبرده از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ مسئولیت گزارشگری سازمان ملل در امر آزادی عقیده و مذهب را به عهده گرفت و در همین دوران بارها از نقض حقوق بهائیان در ایران انتقاد کرد.

سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران روز پنج‌شنبه ۱۱ شهریور از پایان مأموریت خود در ماه نوامبر خبر داد. جانشین احمد شهید، عاصمه جهانگیر، فعال حقوق بشر و مدافع حقوق زنان پاکستان است که در سال ۱۹۵۲ متولد شده است. او در سال ۱۹۸۱ به عنوان اولین زن در پاکستان یک دفتر وکالت دایر کرد.

"عاصمه جهانگیر" از فعالان سرشناس حقوق بشر و حقوق زنان در پاکستان، جانشین احمد شهید در سازمان ملل برای امور حقوق بشر در ایران شد. جهانگیر اولین دفتر وکالت زنان پاکستان را دایر کرده است و در ایجاد کمیسیون حقوق بشر نقش داشته است. بر اساس گزارش‌های منتشره، احمد شهید، گزارشگر ویژه

ادامه‌ی سخن

مردم و گروه‌های اجتماعی اشاره می‌کرد و قصد آن را داشت که آنان را در راه رسیدن به آزادی و رهایی از بندگی و در دست گرفتن سرنوشتشان به کلبیتی متحد که قدرتمند و استوار و با اراده باشد، مبدل سازد. "نیروی جنبش کردستان، بیش از هر چیزی خود را در استمرار و ماندگاری‌اش نشان می‌دهد، در ادامه دادن به قیام و تلاش سخت و محکم و استوار ایستادن در میدان حماسه‌آفرینی و تسلیم نشدن". جنبشی که در نشان دادن رؤیاها و آمال آینده‌ی مردم، کم بیاورد و یا بر خلاف رؤیاها و آمال خود عمل کند، اعتماد مردم را نسبت به خود از دست می‌دهد و آن را حرکتی انحرافی تلقی خواهند کرد. به همین خاطر است که دکتر شرفکندی به مانند استادش، به الگوی این آمال و رؤیاها بدل می‌شود و برای تشویق مردم، خود به پیشاهنگ پراکنیزه کردن آنچه که گفته است، بدل می‌شود.

متن سخنان مصطفی هجری، دبیر کل حزب در سمینار کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال

دروود بر شما دوستان عزیز خیلی خوشحالم که خود را در میان شما دوستان عزیز می‌بینم. موضوع مهمی که امروز در منطقه‌ی خاورمیانه ما همه شاهد هستیم و چندین سال است که ادامه دارد، مبارزات ملیت‌هایی است که سرکوب شده‌اند، ملیت‌هایی که به آنها ظلم روا داشته شده و این ملیت‌ها به علت ارتقای سطح آگاهی و شناخت بیشترشان نسبت به حقوق پایمال شده‌ی خویش، هر کدام در مرحله‌ای علیه استبداد شورش کرده‌اند و ما در منطقه شاهد بودیم که در این مدت، سرنگونی حکومت‌های دیکتاتوری که کمتر تصور می‌رفت که مردم با دست خالی بتوانند آنها را از حکومت پایین بیاورند، روی داد و ما همچنان شاهد آن هستیم. اینها ملیت‌هایی هستند که در واقع از تجارب زیادی در تحمل ناملایمات، تبعیضات و نبود هر نوع آزادی برخوردارند. هر چند که آنچه ما هم‌اکنون در منطقه‌ی خاورمیانه شاهد آن هستیم، شورش‌های نامنظم، انقلابات، خونریزی و ویرانی و کشتار است و بیشتر به نظر می‌رسد که این پروسه روز به روز بیشتر به سمت بی‌نظمی و خونریزی و ویرانی بیشتر سوق می‌یابد، ولی بالاخره در مسیر این حرکت، مردم راه خود را پیدا می‌کنند. این ملیت‌ها که سرکوب شده بودند، برای اینکه بتوانند زندگی نوینی را در سایه‌ی دمکراسی ادامه دهند، دو راه در پیش پایشان قرار دارد: یکی از این دو راه این است که یک حکومت دمکراتیک با رعایت همه‌ی حقوق انسانی و یکسان برای همه تأمین شود، در این صورت ملیت‌ها می‌توانند در چهارچوب مرزهای یک کشور با همدیگر زندگی کنند. اگر این هدف برآورده نشود، مطمئناً، حرکت‌های تجزیه‌طلبانه و

خسونت‌های بیشتر را باید انتظار داشت که این حرکت‌ها هم برای مردمان و هم برای کشورهایی که می‌خواهند با نفوذ خود این مردم را آرام کنند بیشتر هزینه‌بردار خواهد بود. در نتیجه من چنین فکر می‌کنم که در آینده‌ی خاورمیانه تسلط اصلی در دست ملیت‌ها خواهد بود. اگر تاکنون اینچنین دیده‌ایم و حالا هم شاهد این وضعیت هستیم متأسفانه یک فرد یا یک گروه وابسته به یک فرد، به شکل استبدادی حاکمیت سرنوشت مردمان بسیاری را در دست داشته‌اند. این سیاست به تدریج در حال زوال است و جایگزین آن، در دست داشتن قدرت از طرف ملیت‌ها خواهد بود و تنها در این صورت است که می‌توان انتظار آرامش و ثبات را در منطقه داشت. آنچه که ما در ایران شاهد هستیم این است که طی سی و چند سال گذشته که جمهوری اسلامی ایران حاکم بوده، از استبداد و حق کشی علیه ملیت‌های ایران و آزادیخواهان ایران همه‌ی راه‌ها را آزمایش کرده و همچنان روزبه‌روز سخت‌تر و شدیدتر این راه را ادامه می‌دهد. بر خلاف آنچه که ما آزادیخواهان و ملیت‌های ایران انتظار داریم که در جمهوری اسلامی تغییراتی روی دهد که حداقل حقوق این مردم برآورده شود، تجربه نشان داده است که این خواسته‌ای غیرمنطقی است، از این نظر غیر منطقی است که جمهوری اسلامی اساساً معتقد به این حقوق نیست که مردم خواهان آن هستند. بنابراین چکار باید کرد؟ به نظر من بایستی نیرومند شد، چون ما در تاریخ سی و چندساله‌ی جمهوری اسلامی شاهد بوده‌ایم که جمهوری اسلامی در مقابل زور تسلیم می‌شود. یکی در جنگ ۸ ساله‌ی ایران و عراق همه شاهد آن هستیم که جمهوری اسلامی

با وجود شعارهای بسیار پرطمطراق و تحریک مردم به کشتار و ویرانی و به قول خودشان "رسیدن به قدس از راه کربلا" علاوه بر ویرانی‌های بسیار زیاد، حدود یک میلیون نفر از جوانان ما را به کشتن داد یا عضوی از بدنشان را از دست دادند، ولی در نهایت خمینی وقتی متوجه شد که نمی‌تواند این جنگ را ادامه دهد و حکومتش مورد تهدید قرار گرفته است، قطعنامه‌ی سازمان ملل را پذیرفت و به قول خودش جام زهر را سر کشید. مورد دوم همین امضای قرارداد برجام است، در این مورد نیز همه یادمان هست که سران جمهوری اسلامی چطور شعار می‌دادند که این قطعنامه‌های سازمان ملل، آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و بقیه نقاط دنیا کاغذ پاره‌هایی هستند که تأثیری در وضعیت جمهوری اسلامی ایران نخواهند داشت. ولی یکبار دیگر زمانی که ولی فقیه متوجه شد که با این شعارها نمی‌توان اقتصاد کشور را رو به راه کرد حتی پنهان از رئیس‌جمهور وقت- نماینده‌ی خودش را به عمان فرستاد و با نمایندگان آمریکا وارد بحث شد و مذاکرات ادامه پیدا کرد تا جایی که تمامی خواست‌های گروه ۱+۵ را پذیرفت. بنابراین جمهوری اسلامی در مقابل نیروی مقاوم تسلیم‌پذیر است. بنابراین ما ملیت‌ها و آزادیخواهان ایران اگر واقعا می‌خواهیم خواست‌هایمان در جمهوری اسلامی برآورده شود، فقط یک راه داریم و آن نیرومند بودن است، نیرومند بودن چیز است که در منطقه، در جهان و به ویژه در جمهوری اسلامی روی آن حساب باز می‌کنند، بر اساس این تحلیل و بعد از مشورت زیاد با صاحب‌نظران و با تعدادی از آکادمیسین‌ها، حزب دمکرات کردستان ایران

دو سال پیش به این نتیجه رسید که بایستی گام‌هایی در راه این بردارد و با استفاده از تجارب گذشته و درس گرفتن از اشکالات و نقص‌هایی که در مبارزات گذشته داشته‌ایم، بتوانیم این نیرومندی را نه تنها برای حدکا، بلکه برای همه‌ی سازمان‌ها، همه‌ی مردم کرد و از این راه برای همه‌ی آزادیخواهان ایران ایجاد کنیم. بر این اساس بود که حزب دمکرات تصمیم گرفت که به حضور پیشمرگه‌ها در داخل کردستان ادامه دهد و روزبه‌روز بر تعداد پیشمرگه‌ها بیفزاید. بیشتر این پیشمرگه‌ها اعضای حدکا یا مردم فعالی هستند که از جمهوری اسلامی بیزارند و تحت شناخت و سازماندهی اینها دوش‌به‌دوش پیشمرگه‌ها حضور پیدا می‌کنند. توجه به این مسأله خیلی مهم بود که سعی کنیم همراه با حضور پیشمرگه‌ها، تفکر و اندیشه‌ی مردم را تغییر دهیم، بدین معنا که مردم متوجه شوند و آموزش ببینند که پیشمرگه‌ها تنها نیرویی نیستند که آنها را از دست ظلم و استبداد جمهوری اسلامی رها خواهند کرد، بلکه بخشی از کارشان این است که به این مردم نیروی معنوی بدهند، آنها را به سازماندهی تشویق کنند که خود تبدیل به نیروی رهایی‌بخش شوند، چون اگر مردم تنها منتظر این باشند که پیشمرگه‌ها آنها را آزاد کنند، دچار خسارات بسیاری خواهند شد و چه بسا این نوع مبارزه به نتیجه نخواهد رسید. این بود که پیشمرگان حزب دمکرات در میان مردم حضور پیدا کردند که به مردم بگویند اگر تبلیغات جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته بر این اساس بود که نیروهای اپوزیسیون کرد ایرانی از حزب دمکرات و سایر نیروها، دیگر توانی ندارند، همه از بین رفته‌اند، حاشیه‌نشین شده‌اند، کمپ‌نشین شده‌اند و این ناامیدی را در مردم به وجود می‌آوردند تا مردم بیشتر تسلیم خواست‌های آنها شوند، مردم حضور پیشمرگه‌ها را در میان خود احساس کنند، به این ترتیب مبارزه‌ی پیشمرگه‌ها در کوه‌ها و مبارزه‌ی مردم در داخل شهرها به همدیگر گره بخورد و از تلفیق اینها نیرویی شکل بگیرد که جمهوری اسلامی روی آن حساب کند. البته این یک پروسه است و چیزی نیست که در عرض یک ماه، دو ماه و سه ماه به وجود بیاید، ولی آغاز پروسه و ادامه‌ی آن می‌تواند به وجود چنین نیرویی منجر شود که هم در زمان حکومت جمهوری اسلامی و هم بعد از حکومت جمهوری اسلامی بتواند در تعیین سرنوشت مردم تأثیرگذار باشد. به این ترتیب حدکا در این مرحله بیشتر از آن که روی این امر متمرکز شود که جمهوری اسلامی را سرنگون کند یا به جمهوری اسلامی ضربه بزند، در صدد این است که رستاخیزی میان مردم کرد در مرحله‌ی اول ایجاد نماید، مردم به توان خود ایمان بیاورند و تبلیغات زهرآگینی را که جمهوری اسلامی طی این مدت در میان مردم انجام داده، آنها را خنثی کند. خوشبختانه هر چند ما در مرحله‌ی ابتدای کار هستیم ولی این مسأله تأثیرات بسیار زیادی را در میان مردم بر جای نهاده است. اگر دقت کرده باشید، طی دو سه ماه گذشته ده‌ها مورد حمله از سوی مردم، حمله‌ی مسلحانه و غیر مسلحانه علیه نیروهای رژیم در نقاط مختلف کردستان روی داده و تقریباً روزانه ما شاهد این رویدادها هستیم و این خبرها را می‌شنویم. این نیرو را حضور پیشمرگه‌ها به مردم داده و مردم دارند راه خودشان را پیدا می‌کنند و تبدیل به همان نیرویی می‌شوند که ما به دنبال آن هستیم. بنابراین راهی که ما برای آزادی ملیت‌های ایران، برای آزادی همه‌ی مردم بایستی پیش پا بگذاریم و روی آن کار بکنیم، این است که بایستی نیرومند شویم، به نیروی تأثیرگذار تبدیل شویم. این پروسه، این راه اشکال گوناگون و متفاوتی دارد، از اتحاد و نزدیکی با همدیگر، اگر امکان داشته باشد یکی شدن سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون کرد و ایرانی و حداقل به هم نزدیک شدن و ایجاد ارتباط در رابطه با اهداف مشترکی که با همدیگر داریم. این حرکت می‌تواند برای بخش‌های دیگر ایران نیروبخش باشد، زیرا بسیار مهم است که مردمی که برای آزادی مبارزه می‌کنند و می‌خواهند خود را از زیر دست استبداد رها کنند، احتیاج به یک پشتیبان دارند، احتیاج دارند که نیرویی پشت سر آنها باشد و آنها را هدایت کند و ما می‌خواهیم کردستان

به چنین نیرویی تبدیل شود، به همه‌ی آزادیخواهان ایران نیرو ببخشد و در نتیجه روز به روز سطح مبارزات گسترده‌تر شود. در این صورت است که جمهوری اسلامی به فکر می‌افتد تا روی خواست‌های مردم ایران مطالعه کند. ما در این حرکت، در این مدت کوتاه بسیاری از پروژه‌های جمهوری اسلامی را بر هم زدیم، همه‌ی شما دوستان تا به حال بارها شنیده‌اید که جمهوری اسلامی اعلام می‌کرد که مرزها را آنچنان تنیده و آنچنان امکانات تکنیکی و پایگاه‌های محکم و مرزهای مین‌گذاری شده ایجاد کرده که دیگر حتی پرند هم نمی‌تواند در آنجا پر بزند، در حالی که پیشمرگه‌های ما طی دو سال گذشته بارها و بارها از این مرزها گذشتند بدون اینکه جمهوری اسلامی حتی بتواند به یک گروه در مرزها حمله کند. جمهوری اسلامی به ویژه بعد از امضای قرارداد برجام در صدد تبلیغ بود و بسیار کار کرد و حالا هم کار می‌کند که کمپانی‌های بزرگ اقتصادی، نفتی، صنعتی و تجارتي از نقاط مختلف دنیا بیایند و سرمایه‌گذاری بکنند تا جمهوری اسلامی دستش برای تهدید بیشتر و درآمد بیشتر باز شود، چون متأسفانه درآمد‌هایی که در ایران حاصل می‌شود، به جیب جمهوری اسلامی می‌رود. در این مدت و با این برنامه که حزب دمکرات در پیش گرفت، به دنیا نشان داد و به جمهوری اسلامی نشان داد که علیرغم تبلیغات جمهوری اسلامی، ایران آن جزیره‌ی آرامش نیست که این سرمایه‌گذاری‌ها در آنجا شروع به کار کنند. بنابراین اگرچه ما هزینه‌ای به قیمت شهادت تعداد زیادی از پیشمرگه‌هایمان دادیم ولی در این مورد بسیاری از برنامه‌های جمهوری اسلامی را به هم زدیم. به این ترتیب ما می‌توانیم، ما مردم ایران، ملیت‌های ایران می‌توانیم در مقابل جمهوری اسلامی بایستیم، ولی بایستی در عمل وجود داشته باشیم. با محکوم کردن جمهوری اسلامی از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، با درخواست آزادی از جمهوری اسلامی و غیره، همه اینها نشان داده که تحقق این درخواست‌ها امکانپذیر نیست، بنابراین ما که خواهان آزادی هستیم باید راه حل دیگری را انتخاب کنیم، چون راه حل قبلی جواب نداده و راه حل جدید این راه حلی است که ما آن را پیشنهاد می‌کنیم و امیدواریم از طرف همه‌ی ملیت‌های ایران و همه‌ی سازمان‌های سیاسی مورد قبول قرار گیرد و روی آن کار کنیم، نه تنها برای حزب دمکرات کردستان ایران بلکه برای همه آنان که در ایران خواهان آزادی هستند. خیلی متشکرم



تلاش برای تیمار اسبی مرده رسانه، بحران و فساد اقتصادی

آگری اسماعیل نژاد

ساختار رژیم جمهوری اسلامی مسبب آن شده است، در یک نگاه ساده می‌تواند نشان‌دهنده‌ی عمق اختلافات جناح‌های درونی رژیم و حاکمی از تلاش جداگانه‌ی هر جناح برای کسب پایگاه جداگانه‌ی اجتماعی مستقل باشد. اما مسأله‌ی فساد و بحران‌های اقتصادی دامنه‌اش از اختلافات داخلی ایران فراتر رفته است، آنچنان که اگر با بررسی عمیقتری به آن بپردازیم، در واقع کلیت سیاست‌های رسمی رژیم را در بر گرفته است؛ برای درک بهتر به ذکر سه مثال در اینجا می‌پردازیم:

مثال اول:

اکبر ترکان، مشاور ارشد اقتصادی حسن روحانی در پیش روی آن، تلاش برای گذر از این بحران و حتی وجود فساد اقتصادی در ساختار اقتصادی در رأس موضوعات رسانه‌ای جمهوری اسلامی قرار گرفته است. رسانه‌های جمهوری اسلامی با توجه به وابستگی آنها به جناح‌های سیاسی درون رژیم، هر کدام طیف خاصی از بحران و فساد اقتصادی در ایران را مطرح می‌کنند و بخشی دیگر را یا منکر می‌شود و یا اصلاً به آن نمی‌پردازند. برخورد دوگانه با کلیت بحران اقتصادی جامعه‌ی ایران و فساد

اقتصادی موجود در ایران که ساختار رژیم جمهوری اسلامی مسبب آن شده است، در یک نگاه ساده می‌تواند نشان‌دهنده‌ی عمق اختلافات جناح‌های درونی رژیم و حاکمی از تلاش جداگانه‌ی هر جناح برای کسب پایگاه جداگانه‌ی اجتماعی مستقل باشد. اما مسأله‌ی فساد و بحران‌های اقتصادی دامنه‌اش از اختلافات داخلی ایران فراتر رفته است، آنچنان که اگر با بررسی عمیقتری به آن بپردازیم، در واقع کلیت سیاست‌های رسمی رژیم را در بر گرفته است؛ برای درک بهتر به ذکر سه مثال در اینجا می‌پردازیم:

مثال دوم:

رسانه‌های آمریکایی حق برداشت ۴۰۰ میلیون دلار پول ایران و سود ۱.۳ میلیاردی دلار آن را دلیلی برای آزادی چهار زندانی ایرانی-آمریکایی قلمداد کردند، این زندانیان بر اساس حکم صادره برای آنها،

"زندانی امنیتی" محسوب می‌شدند، اما ایران پذیرفت که در قبال بازگرداندن پول توقیف‌شده‌اش آنها را آزاد کند.

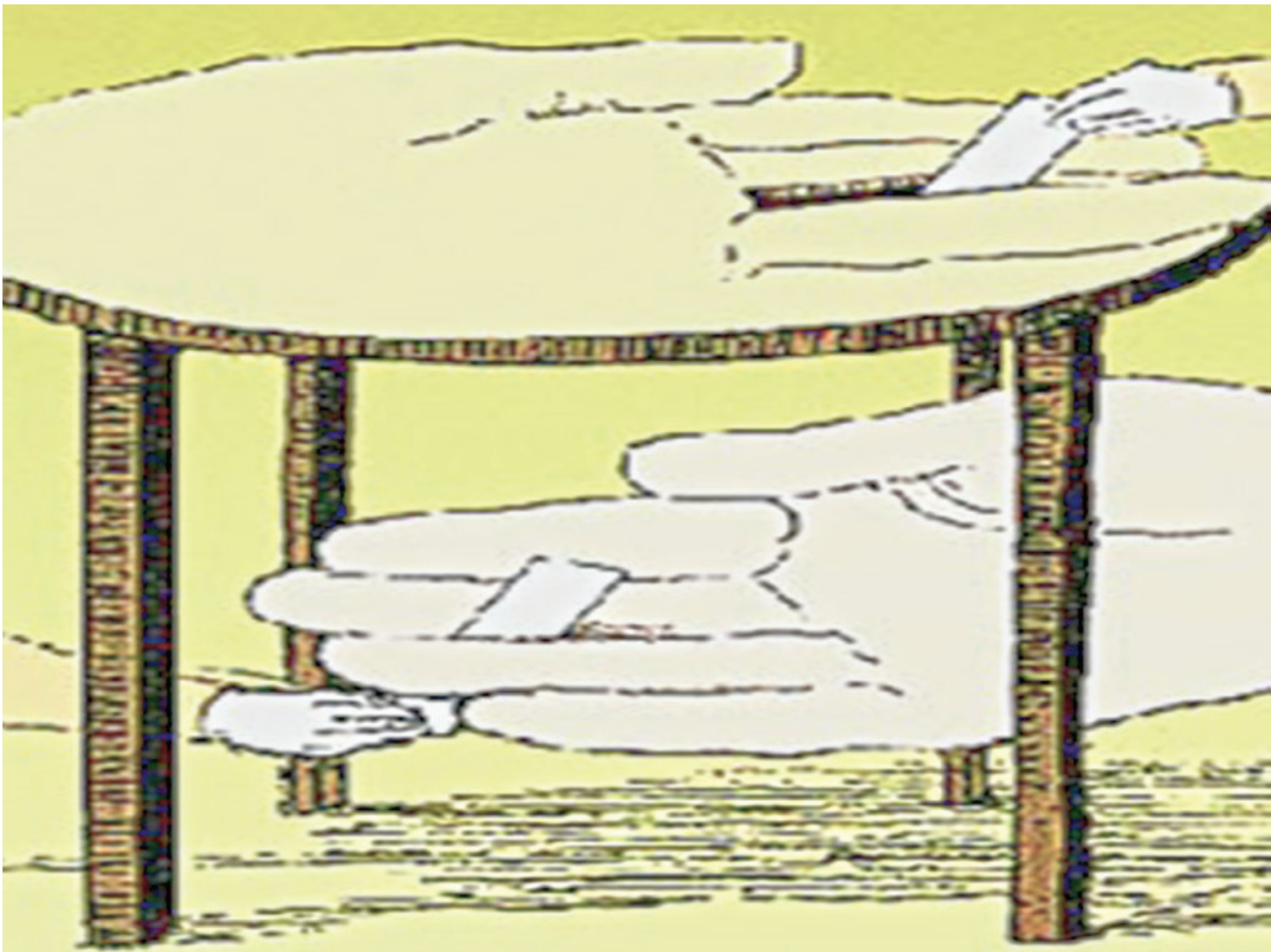
مثال سوم:

بانک مرکزی ایران رسماً اعلام کرده است که به کنوانسیون FATF پیوسته است. FATF سازمان بین‌المللی مبارزه با پولشویی و کارگروه ویژه‌ی اقدام مالی این سازمان، برای جلوگیری از پولشویی و جلوگیری از تأمین مالی سازمان‌های تروریستی به عنوان یک همکاری بین دولتی بنیاد نهاده شده است. با عضویت یک کشور در این سازمان، سازمان مذکور بر روند پولشویی، نظارت قانونی بر نقل و انتقالات بانک‌ها و اجرایی قوانین مالی در سطح داخلی و بین‌المللی این کشور، نظارت خواهد کرد، این توافق در شرایطی از طرف بانک مرکزی ایران اعلام شده است که ایران در سطح منطقه و از طریق سازمان‌هایی که در لیست ترور هستند، در جنگی نیابتی حضور دارد، در ضمن در سال ۲۰۱۵ جمهوری اسلامی به عنوان یک کشور حامی تروریسم معرفی شد، البته مسئولان جمهوری اسلامی از حمایت آشکار گروه‌های تروریستی واهمه‌ای ندارند و برای تأکید بر میزان اهمیت این جنگ نیابتی و

حمایت از گروه‌های تروریستی منطقه، این رفتار را "عمق استراتژی" خود می‌خوانند. سیاست و اقتصاد در رژیم جمهوری اسلامی سال گذشته اقتصاد را به اسبی برای کشاندن سیاست‌های داخلی و منطقه‌ایش تبدیل کرده است. این رژیم در کشورهای اروپای و آمریکای شمالی مخالفین خود را ترور می‌کرد و از راه قراردادهای اقتصادی از بررسی روند قضایی پرونده‌های ترور جلوگیری می‌کرد و با اختصاص بودجه‌ی کلان به طرح‌هایی همچون صدا و سیمای دولتی، مرکز سازمان تبلیغات اسلامی، دارالقرآن، فیلترینگ اینترنت، پلیس فتا، ارتش سایبری، گشت ارشاد درصدد کنترل هرچه بیشتر فضاهای اجتماعی، فکری و فرهنگی و ترویج اخلاق، فکر و فرهنگی خاص در ایران است و جدا از این مسأله، جمهوری اسلامی با تقویت نیروهای سرکوبگر خود در سطح داخلی و نیز در زمینه‌ی ساخت تسلیحات مختلف نظامی که سالیانه چندین نوع از آنها را به نمایش می‌گذارد، در تلاش بوده و هست که تدوام حاکمیت خود را گارانتی کند. همگی این رفتارها و کردارها نیازمند اقتصادی تواناست و

در کلیه‌ی این موارد، اقتصاد است که باید این سیاست‌ها را یدک بکشد و اجرایشان کند. در شرایط کنونی، اقتصاد ایران دوران پس از ۱۰ سال تحریم را می‌گذراند و همزمان با افت شدید قیمت نفت روبرو شده است و در عین حال جمهوری اسلامی در چندین جبهه‌ی مختلف در جنگی نیابتی حضور دارد، در سطح داخلی نیز با افزایش نرخ بیکاری، بالاگرفتن شاخص فلاکت، بالا بودن نرخ تورم و از همه‌ی این موارد پر اهمیت‌تر، با بحران کم آبی روبرو است، اما اقتصاد ایران در دوران تحریم برای آنچه "دورزدن" رشد "مافیای مشروع اقتصادی" نیز روبرو شده است، این مافیا به برای اینکه از چشم ناظران بین‌المللی تحریم‌های ایران به دور باشند، بسیار پیچیده‌تر از مافیاهای معمول باید رفتار می‌کردند و همین مسأله، سبب شده است تا ابعاد حضور و قدرت "مافیای مشروع اقتصادی" برای رژیم و ارگان‌های امنیتی رژیم بسیار گنگ و ناشفاف باشد. آنچه در شرایط کنونی به عنوان مبارزه با فساد در رسانه‌های جمهوری اسلامی دیده می‌شود، تلاش برای تیمار اسب مرده‌ی اقتصاد ایران است، اسبی که رژیم برای حرکت یدک

سرکوب داخلی و ماجراجویی خارجی در شرایط کنونی بیشتر از گذشته به آن نیازمند است. آنچه در رسانه‌های داخلی رژیم به عنوان "مبارزه با فساد اقتصادی" نامیده شده است، تلاشی برای افزایش سطح رفاه اجتماعی و آسایش عمومی نیست، بدین مفهوم که مردم ایران در مسأله‌ی مبارزه با فساد اقتصادی دستاوردی نخواهند داشت، بلکه اقتصاد کنونی ایران در شرایطی قرار دارد که توانایی تحمل سیاست‌های سرکوب داخلی و ماجراجویی خارجی رژیم را ندارد. آنها در تلاشند تا از طریق مبارزه با "مافیای مشروع اقتصادی" که در حال حاضر نیازی هم به آن ندارند، وضعیت اقتصادی را به سطح مطلوبی برای یدک کشیدن سیاست‌های خود برسانند، آیا رژیم می‌تواند از بحران اقتصادی کنونی خود عبور کند و اسب مرده‌ی اقتصاد ایران را شفا دهد؟ با توجه به این که حل بحران اقتصادی رژیم در گرو دست کشیدن از ماجراجویی‌های منطقه‌ای و سرکوب‌های داخلی‌اش است، شانس گذر رژیم از بحران اقتصادی موجود تقریباً نزدیک به صفر است.





میرو علیار

از یک سال پیش که حزب دمکرات کردستان ایران مبارزه ی نوینی را علیه نظام استبدادی جمهوری اسلامی شروع کرده است، شماری از افراد و سازمان‌های اپوزیسیون به این حرکت واکنش نشان داده‌اند: یکی از آن استقبال نموده و دیگری آن را به نقد کشیده است، چیزی که در عرصه ی سیاست و دمکراسی امری عادی تلقی می‌شود. اما اظهار نظر‌های آن دسته که در راستای تأیید و توجیه سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی حکومتی علیه ملت کرد، به تکرار اتهامات سراپا ناروای رژیم به حزب دمکرات پرداخته بودند، بار دیگر چگونگی رابطه‌ی کردستان با احزاب و سازمان‌های اپوزیسیون را در بین فعالین سیاسی دوباره به مسأله‌ی روز تبدیل کرده است.

برای کسانی که با مسائل کردستان از سال ۱۳۵۷ آشنائی دارند این سؤال مطرح می‌شود که اپوزیسیونی که زمانی کردستان را "سنگر آزادی ایران" می‌نامید و برای خلاصی از خشونت رژیم اسلامی در آنجا پناه می‌جست، چگونه ممکن است که این اپوزیسیون امروز مواضعش در ارتباط با مسأله‌ی کردستان آنچنان دگرگون شده است؟

اینجا به یاد استدلالی افتادم که بارها از هموطنان فارس در توجیه تغییر رویکرد سیاسی خود در قبال مسأله‌ی کرد در ایران، شنیده شده است. می‌گویند که سیاست حزب دمکرات کردستان ایران در دوران شادروان د. قاسملو درست و حکیمانه بود و بعدا از او، سیاست و مواضع حزب "رادیکال" شده و از خط مشی قاسملو فاصله گرفته است!

برای روشن شدن اذهان عمومی لازم دانستم به چند نکته‌ی مهم در این‌باره اشاره کنم. این دیدگاه از اساس بهانه‌ای بیش نیست. نه رهبری آن زمان حزب دمکرات از رهبری امروز حزب به مسأله‌ی کرد کمتر اهمیت می‌داد و نه رهبری امروز حزب از خطوط اصلی سیاست‌های دوران زنده یاد قاسملو عدول کرده است.

به‌دلایل ذیل، اتفاقاً این اپوزیسیون است که از سیاست و مواضع درست خود در زمان زنده‌یاد د. قاسملو فاصله گرفته است. در آن زمان:

***** بخش قابل ملاحظه‌ای از اپوزیسیون ایران از جنبش کردستان و مطالبات مردم کردستان حمایت می‌کرد و به درستی به کردستان بعنوان دژ تسخیرناپذیر در مقاومت علیه استبداد، احترام می‌گذاشتند. مردم کردستان نیز این همبستگی را ارج می‌نهادند و می‌گفتند، اگر رژیم به کردستان یورش آورده و به ما اعلان جنگ داده است، در مقابل، نیروهای اپوزیسیون سراسری هم‌پیمانان ما هستند، از ما حمایت نموده و جنایات دولت در کردستان را محکوم می‌کنند.

***** نیروهای اپوزیسیون، کردها و کردستان را از نظر احساسی و عاطفی و مبارزاتی، بخشی از خود می‌دانستند، با مبارزه‌ی آن علیه

استبداد ابراز همبستگی می‌کردند و علیه سرکوب خلق کرد موضع می‌گرفتند.

***** سازمان‌های اپوزیسیون مانند کردها مسائل کردستان و پایمال کردن سیستماتیک حقوق بشر در کردستان را انعکاس می‌دادند و در افشای سیاست‌های رژیم به کردها کمک می‌کردند.

***** حتی آن دسته از اپوزیسیون هم که با مبارزات کردستان مخالفت می‌ورزیدند، لااقل از سرکوب خلق کرد به‌دست رژیم دیکتاتوری ج.ا.ا پشتیبانی نمی‌کردند و رژیم را بر کردها ترجیح نمی‌دادند.

بنابراین، آن زمان اپوزیسیون، هنوز "اپوزیسیون سراسری" بود و کردها نیز، تحت تأثیر سیاست مسئولانه‌ی اپوزیسیون، احساس دیگری نسبت به رابطه‌ی کردستان با ایران و اپوزیسیون داشتند.

این احساس امروز تغییر پیدا کرده

داشتند، به تدریج مرعوب ناسیونالیست‌های افراطی گشته و مواضع دمکراتیک گذشته‌ی خود را رها کرده‌اند.

مثلاً در جریان خیزش دوباره‌ی اخیر حزب ما، دیدیم که گروهی آشکارا تبلیغات خصمانه‌ی رژیم استبداد را مبنای تحلیل و موضعگیری‌های خود در قبال مسائل کردستان قرار دادند و با همان زبان و ادبیات کسالت‌آور و خارج از نزاکت رژیم حاکم شروع کردند به دروغ‌پردازی و وارد کردن اتهامات واهی و بدون ارائه‌ی مدرک علیه حزب دمکرات.

این مدعیان آزادی و دمکراسی عملاً اعمال سیاست‌های سرکوب، تبعیض و اعدام جوانان کرد را به دست جمهوری اسلامی موجه جلوه دادند.

• به ندرت رسانه‌ی فارسی‌زبانی یافت می‌شود که امروز به رویدادها

ملت کرد نه تسلیم خشونت و سرکوب رژیم حاکم خواهد شد و نه مرعوب افترا و نظریه‌های انحرافی نژادپرستانه. ما مبارزه و تلاش در راه آزادی را بر زندگی در خفت و خواری را ترجیح می‌دهیم و چون آماده‌ایم هزینه‌ی لازم برای رسیدن به این هدف را بپردازیم، به پیروزی خود اطمینان داریم.

و مسائل کردستان و مبارزه‌ی ملت کرد علیه استبداد مذهبی حاکم اهمیت داده و اخبار جنایت‌های رژیم در کردستان را انعکاس و پوشش دهد.

می‌بینیم که امروز از "اپوزیسیون سراسری" چیزی باقی نمانده است و آنچه هم که هنوز تحت این عنوان مشاهده می‌شود، صرفاً یک "اپوزیسیون فارس" است که فعالیتش را بر تغییر تحولات مسائل پیرامون جناح‌ها در تهران و استان‌های فارس‌نشین متمرکز کرده و دیگر کاری به مسائل و رویدادهای سیاسی مناطق ملیت‌های تحت ستم ندارد، البته بجز متهم کردن آنان به تجزیه‌طلبی! در اینجا حق‌شناسی ایجاب می‌کند

امروز به ندرت سازمانی فارس با مردم تحت ستم کردستان و دیگر مناطق ملیت‌ها ابراز همدردی می‌کند.

حتی آن بخش از سازمان‌ها یا افراد نیز که سابقاً نگاهی مثبت و مسئولانه به مسأله‌ی کردستان

که حساب شماری از شخصیت‌های فارس‌زبان را که در موارد حساس با مردم کردستان و حزب دمکرات کردستان ایران ابراز همدردی و همبستگی می‌کنند، از بقیه جدا کرده و از آنها تقدیر بعمل آورد.

این دوستان در مقابل رژیم استبدادی از حقوق انسانی و دمکراتیک خلق کرد حمایت نموده و رابطه‌ی عاطفی و سیاسی خود با جنبش کردستان را حفظ کرده‌اند. آنها می‌توانند در ایجاد تفاهم و زدن پلی نو میان جنبش کردستان و آن دسته از نیروهای اپوزیسیون که به دمکراسی و حقوق بشر باور دارند، نقش بسیار سازنده‌ای ایفا کنند.

انتقاد ما متوجه آن بخش از جریان‌های سیاسی اپوزیسیون است که در ارتباط با ملیت‌ها، در واقع دنباله‌رو سیاست‌ها و عملکردهای رژیم حاکم شده‌اند و خود، هیچ برنامه‌ای برای حل این مسأله‌ی حیاتی برای ایران ندارد. این اپوزیسیون به کلی با مناطق و شرایط و نحوه‌ی زندگی ملیت‌ها در جمهوری اسلامی بیگانه است. معلوم نیست بدانند این مناطق در کجای ایران قرار دارند!

آنها به بیماری "پارانویا" مبتلا گشته و در یک کرد یا هر غیرفارسی، تنها یک تجزیه‌طلب می‌بینند که در دام توطئه‌ی بیگانه افتاده و برای فروپاشی ایران تلاش می‌کند!

ناسیونالیست‌های مرکزگرا به سه مسأله توجه ندارند:

اول اینکه، مسأله‌ی جدائی‌خواهی یک امر ناگهانی نیست.

مثلاً آدم شب خواب ببیند و با برآمدن آفتاب جدائی‌طلب شود. احساس جدائی بین دو انسان، جدائی بین زن و مرد، جدائی بین افراد خانواده ... و سرانجام جدائی ملت‌ها از یکدیگر، طی یک روند و در پی تحولات و کنش و واکنش‌هائی در بین آنها شکل می‌گیرد.

دوم اینکه، جدائی نخست در

کردستان و "اپوزیسیون سراسری"

باطن انسان گره می‌خورد. نطفه‌ی جدائی‌خواهی ابتدا در احساس و درون آدم‌ها بسته می‌شود. زمانی که انسان‌ها بر اثر ستم و بی‌عدالتی، سرکوب و خشونت، تحقیر و تبعیض، نابرابری و پایمال کردن حقوق انسانی، باور و اعتمادشان را به ادامه‌ی زندگی مشترک یا زیستن در کنار همدیگر از دست می‌دهند، طاقت‌شان تمام می‌شود و نهایتاً از آینده‌ی مشترک قطع امید می‌کنند. آن زمان است که مسأله‌ی جدائی جنبه‌ی عملی به خود می‌گیرد. در واقع، جدائی مرحله‌ی آخر است و تصمیم به جدائی از روی ناامیدی نسبت به تغییر در وضع موجود اتخاذ می‌شود.

سوم اینکه، به شهادت تاریخ، در کشورهای چند ملیتی، اتحاد پایدار و داوطلبانه تنها از طریق احترام متقابل و به رسمیت شناختن هویت و تأمین برابر حقوقی برای ملیت‌های تحت ستم، قابل تصور است.

با ادامه‌ی خودبرتربینی، توجیه سرکوب و تبعیض، اتهام زدن‌ها، تهدید و سردادن شعارهای نژادپرستانه و انکار وجود و پایمال کردن حقوق ملیت‌های غیرفارس، نمی‌توان این مشکل حیاتی ایران را حل و از عمیق‌تر شدن شکاف‌های ایجاد شده و فروپاشی کشور جلوگیری کرد.

اگر امروز می‌بینیم که در پی سرکوب و محرومیت و تبعیض نهادینه‌شده و سرخوردگی ناشی از آن، تمایلات جدائی‌طلبی در میان ملیت‌های غیرفارس رو به گسترش است، نباید تعجب کرد. در پیدایش و گسترش این پدیده، سیاست و رویکردهای اپوزیسیون "سراسری" سهم بزرگی داشته است.

جالب است، در حالی که نیروهای ناسیونالیست مرکزگرا در همراهی با رژیم مرتباً کردستان را به تجزیه‌طلبی متهم نموده و به این بهانه، سیاست سرکوب و ستم حکومتی علیه ملت کرد را توجیه می‌کنند، حزب دمکرات

کردستان

کردستان ایران و دیگر سازمان‌های کردستانی علیرغم فشار فزاینده، همچنان بر سیاست حل مسأله‌ی کرد در چهارچوب مرزهای ایران تأکید می‌ورزند! روشن نیست، واقعاً چه کسی ایران را به سوی تجزیه سوق می‌دهد؟!

راستی شما، رژیم و ناسیونالیست‌ها، چه انتظاری از کردها دارید؟ شما بر مبنای این ذهنیت بیمار و انسان‌ستیز، هویت ملیت‌ها را انکار می‌کنید و با تأمین حقوق آنها دشمنی می‌ورزید که گویا شناسائی و تحقق مطالبات ملیت‌ها، تمامیت ارضی ایران را به مخاطره خواهد انداخت!

باور نکردنی است، طرفداران این تفکر شوینیستی آشکارا رفع تبعیض از ملیت‌های تحت ستم و به رسمیت شناختن حقوق اساسی آنان را با تمامیت ارضی ایران در منافات می‌بینند.

خوب! فکر می‌کنید در چنین حالتی یک کرد، یک بلوچ، یک ترک، یک عرب یا یک ترکمن چکار باید بکند و چه تصمیمی باید بگیرد؟

بر پایه‌ی این منطق، من غیرفارس دو گزینه بیشتر ندارم: یا باید برای حفظ و تداوم انحصار قدرت در دست شما، تحت پوشش حفظ یکپارچگی ایران، به سرکوب و حقارت و تبعیض و محروم ماندن از حقوق سیاسی و انسانی خود تا آخر عمر تن در دهم، یا اینکه برای رسیدن به آزادی و پاره کردن زنجیر اسارت از دست و پای خود، برای تجزیه‌ی ایران تلاش کنم! در جواب به این ذهنیت، باید تأکید کرد که ملت کرد نه تسلیم خشونت و سرکوب رژیم حاکم خواهد شد و نه مرعوب افترا و نظریه‌های انحرافی نژادپرستانه. ما مبارزه و تلاش در راه آزادی را بر زندگی در خفت و خواری را ترجیح می‌دهیم و چون آماده‌ایم هزینه‌ی لازم برای رسیدن به این هدف را بپردازیم، به پیروزی خود اطمینان داریم.



لورها، از سر کوب تا تحقیر

کیهان یوسفی

برای جمع آوری مقداری داده، با زبان شیرین فارسی؛ به جستجوی واژه‌ی "لور" در اینترنت پرداختم، تعداد صفحات "جوک‌های خفن لوری" بیشتر از هر آنچه بود که می‌بایستی به تاریخ و فرهنگ لورها مربوط می‌شد. در برداشت اول شاید وجود این همه جوک در اینترنت چیز ساده‌ای به نظر بیاید و جوکها را ماحصل ذائقه‌ی شاد جامعه‌ی ایرانی (فارس‌ها) بدانیم، ولی حقیقت فراتر از این برداشت ساده است و این جوک‌سازی نوعی تحقیر سیستماتیک دولتی است.

لورها فراموش‌شده‌ترین مردمان در بین ملت‌های محصور در مرزهای ایران هستند. خودآگاهی ملی و وجود حرکت‌های سیاسی و هویت‌طلبانه‌ی این مردمان در قرن اخیر کمرنگ‌تر از دیگر مردمان ایرانی و شاید بتوان گفت که تا حد زیادی غایب است. آسمیلاسیون فرهنگی و سیستم حاکم، آنها را به نوعی به حاشیه رانده که نخبگان‌شان نیز همگام و همراستا با دستگاه حاکم به تحقیر و سرکوب خویش پرداخته‌اند. لورها پیشاهنگان هویت‌طلبی و آزادی‌خواهی در زاگرس بوده‌اند، به گونه‌ای که نخبگان لور در سال ۱۳۰۰ شمسی اقدام به تأسیس حزبی مدرن و مترقی تحت عنوان

مناطق لورستان ایران با وجود ثروت و منابع سرشار نفتی و طبیعی از عقب‌افتاده‌ترین و فقیرترین مناطق ایران است. عقب نگهداشتن اقتصادی، سیاسی است که تأمین مایحتاج روزانه را به اولویت و دغدغه‌ی اصلی لورها تبدیل کرده است.

تئوریسین‌های سیستم حاکم و نخبگان مزدبگیر لور، لورها را بخش لاینفک ملت فارس می‌دانند، همان ادعایی که درباره دیگر مناطق و مردمان ایران دارند. هراس از خودآگاهی ملی در بین لورها را تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های سیستم فاشیستی حاکم به خوبی درک می‌کنند، ولی متأسفانه خود لورها به این امر مهم واقف نیستند. وجود جنبش و حرکتی هویت‌طلبانه در بین لورها با استراتژی و تشکیلاتی مدرن و مشخص می‌تواند شیرازه‌ی ساختار تمرکزگرای ایران را از هم بپاشد.

از لحاظ نژادی و فرهنگی و زبانی کردها و لورها یک شاخه محسوب می‌شوند. کردها و لورها اشتراکات فرهنگی و تاریخی و جغرافیایی بسیاری باهم دارند ولی هرآنچه که دستگاه فاشیستی حاکم و تئوریسین پان‌فارس‌یست انجام داده و برآند که انجام دهند انشقاق و جدایی هرچه بیشتر مابین کردها و لورها می‌باشد. بعد از انقلاب و در دست گرفتن قدرت توسط آخوندها، عامل مذهب نقشی عمده در جذب لورها به سمت حکومت و پیاده‌سازی سیاست‌های مرکزگرایانه و پیشبرد برنامه‌های آسمیلاسیون فرهنگی در زاگرس داشته است. ولی گذر زمان نیز مشخص ساخت که این حکومت نیز، دستاوردش برای لورها چیزی غیر از حکومت قبلی تاکنون نیز ادامه دارد.

زاگرس جنوبی

نیست. هنوز هم فقر، اصلی‌ترین مهمانخانه و سفره‌ی لورهاست. خبری از کارخانه‌های مادر و سرمایه‌گذاری‌های کلان در این مناطق نیست و تحقیر و انکار سیستماتیک هویتی آنها شدیدتر از قبل ادامه دارد.

جنبش هویت‌طلبانه و رهایی‌بخش کردها در ایران در واقع نیازمند مشارکت و حضور لورهاست. جنبش هویت‌طلبانه کردستان دارای چنان ظرفیتی است که لورها نیز می‌توانند خود را در آن ببینند و حقوق و هویت خود را در آن تجسم کنند یا اینکه با آن متحد و همراه شوند. به همین خاطر، تمامی تلاش حکومت فاشیستی-اسلامی ایران عمیق‌تر نمودن شکاف میان لورها با دیگر بخش‌های کردستان و در نتیجه دور کردن آنها از هم و ممانعت از ایجاد اتحادی کارا و انقلابی است.

رسالتی که سیستم حاکم بر

دوش نخبگان و قلم به مزدان خودفروخته انداخته، این است که از سویی لورها را ملتی مستقل از کردها نشان داده و در مباحث سیاسی و روشنفکری، لورها را با نادیده گرفتن تمامی اشتراکات زبانی، فرهنگی، تاریخی و سرزمینی، جدا از کردها نشان دهند و از سوی دیگر، زمانی که کار به مطالبات ملی از حکومت مرکزی و احقاق حقوق مردمان زاگرس می‌رسد، لورها را بخش لاینفک و جدایی‌ناپذیر از فارس‌ها -تو بخوان ایران- معرفی کرده، زبانشان گویش زبان شیرین فارسی و فرهنگشان خُرده‌فرهنگ ایرانی لقب می‌گیرد. سیاستی فاشیستی که دستگاه حاکم به خوبی از آن بهره جسته و در بکارگیری این دو گفتمان تاکنون دست بالا را داشته است. وظیفه‌ای که بر دوش جنبش کردستان و احزاب کردی به ویژه حزب دمکرات کردستان

ایران می‌باشد و این روزها ضرورتش هرچه بیشتر احساس می‌شود، تقویت همگرایی هرچه بیشتر بین لورها و کردها و ابطال سیاست‌های فاشیستی-مذهبی سیستم حاکم جهت روشن کردن افکار عمومی است. لورستان و لورها اگر هم در قالب جنبش کردستان و حرکت آزادیخواهانه‌ی کردها سازماندهی نشوند و جنبش و حرکتی مستقل داشته باشند بازهم می‌توانند بهترین هم‌پیمان در فردای مبارزات برای کردها باشند.

حکومت و دستگاه حاکم نزدیک به یک سده است که این مهم را درک نموده و به صورت مدون و برنامه‌ریزی‌شده بر روی آن کار می‌کند، ولی واقعیت این است که رؤیاهای فاشیستی رضاخانی امروزه در ایران نقش برآب شده و هرچه را که خواستند برپسند، درحال پنبه شدن است.



ما را چه شده است

(به بهانه‌ی خودکشی همزمان دو جوان بویراحمدی)

جنبش رهایی‌بخش زاگرس و پیشمرکه

هنگامی که اسد خان بهداروند در مقابل سلطه‌ی ایرانیان بر زاگرس به پا خاست و قیام بلوط را به راه انداخت -بلوط در فرهنگ زاگرسی‌ها نماد ایستادگی و مقاومت بی‌پایان است- زاگرس را سراسر سکوت فرا گرفته بود و این قیام خون تازه‌ای در شریان‌های جنبش مقاومت کردستان جاری کرد، امری که جنبش‌ها را تا به امروز زنده نگه داشته است. حال که جنبش رهایی‌بخش زاگرس به پیشاهنگی حزب دمکرات فاز جدیدی از مبارزات حق‌طلبانه‌ی مردمان این خطه را آغاز کرده و خواهان نابودی فاشیسم ملی-اسلامی ایران و برچیده شدن بساط حکومت استعماری بر زاگرس می‌باشد، باید از دهه‌ها سکوت و رخوت سیاسی-اجتماعی دست کشیده و نقطه‌ی پایانی بر نابودی انسان و طبیعت در زاگرس بگذاریم. این که نیروهای آزادیخواه پیشمرکه در جای‌جای کردستان با فاشیسم ملی-مذهبی ایران به

اجتماعی لورها طی ۷۰ سال اخیر، حکومت مرکزگرای ایران را هارتر کرده و استثمار و استعمار مردمان این سرزمین را به اوج خود رسانیده است. تداوم سلطه‌ی حکومت مستبد بر زاگرس جز نابودی محیط زیستمان، چپاول منابع طبیعی‌مان، کشتار

از قیام "علیمراد زولقی" تا قیام "اسدخان بهداروند"

و بعدها قیام "محمدتقی خان چالنگ"، مردان و زنان زاگرس پیکان خشم خود را به سمت نظام استعماری ایران که دایره‌ی زندگی را بر مردمانمان تنگ کرده بود

نشانه می‌رفتند، نه به سوی خود.

مردمان، آسمیلاسیون فرهنگی فرزندانمان، نابودی فرهنگ و زبانمان و نشر ناامیدی و یأس در این سرزمین چیز دیگری برایمان نداشته است. امری که طی دهه‌های اخیر در آمار بالای خودکشی جوانان زاگرس نمود می‌یابد و انسان به بن‌بست رسیده با فرو خوردن خشم و اعتراضش به سیستم موجود، به خودتخریبی بی‌سرانجامی دست می‌زند که جز نابودی‌اش چیزی را عاید او نمی‌کند.

شکستن جنبش زاگرس -چه در شمال و چه در جنوب زاگرس- دولت شبه‌مدرن ایران با استفاده از تکنولوژی جدید سرکوب، توانست هاله‌ای از ناامیدی و احساس فراگیر شکست را در این سرزمین حاکم کند، امری که تا شکل‌گیری حزب دمکرات کردستان -۱۳۲۴- و

در تاریخ معاصر جنوب زاگرس به وضوح شاهد آن هستیم. -گزاره‌ای که دکتر قاسملو مستقیم و غیرمستقیم همیشه بر آن تأکید داشت- اما این بدان معنا نبوده و نیست که باید خشم‌مان را فرو خورده و به قول لنین "دشمنانمان را از قهر انقلابی" بی‌نصیب کنیم. خلأی که در تاریخ معاصر جنوب زاگرس به وضوح شاهد آن هستیم. -گزاره‌ای که علیمراد زولقی" تا قیام "اسدخان بهداروند" و بعدها قیام "محمدتقی خان چالنگ"، مردان و زنان زاگرس پیکان خشم خود را به سمت نظام استعماری ایران که دایره‌ی زندگی را بر مردمانمان تنگ کرده بود نشانه می‌رفتند، نه به سوی خود. بمباران هوایی شهرهای لورستان - ایران اولین کشوریست که برای سرکوب اعتراضات مردمی، اتباع و شهرهایش را با هوایما بمباران کرد - و کشتار بی‌رویه‌ی مردمان زاگرس به دست حکومت مرکزگرای ایران خود گویای میزان مقاومت ما در برابر عدم پذیرش سلطه‌ی ایرانیان بر سرزمین و خاکمان بوده است. اما بعد از درهم

شهرام میرزائی

هنگامی که دکتر عبدالرحمان قاسملو بنیادهای تئوریک قیام رهایی‌بخش زاگرس را تئوریزه می‌کرد، اساس عمل را بر آن نهاد که در مبارزه با هیولا نباید خود به هیولای دیگری بدل شویم و این خلاف رویه‌ی حاکم بر جهان بود . بی‌شک قاسملو وامدار جنبشی بود که قرن‌ها در زاگرس در برابر سلطه‌ی حکومت‌های ایرانی، مقاومت و در برابر هژمونی‌طلبی آن سر تعظیم فرود نیاورده بود.

متأسفانه ما زاگرسی‌ها به دلیل نبود تعریف روشنی از هویت جمعی‌مان در طول هزاران سال مبارزه دچار انشقاق قیام و مبارزه بوده و هستیم، در حالی که همیشه دشمنان مشترک، منافع مشترک، تاریخ مشترک و فرهنگی مشترک داشته‌ایم، اما به دلایلی متعدد و متکثر نتوانسته‌ایم ساختار اجتماعی- سیاسی-هویتی مشترکی برای خود تعریف کنیم و از اتحادی سراسری در مقابل دشمنانمان بی‌بهره بوده‌ایم. درست است

تیراندازی نظامیان رژیم در مرز ارومیه سه کشته و زخمی بر جای گذاشت



بابک شعبانی به شدت زخمی شدند که هم‌اکنون در مراکز درمانی ارومیه تحت مراقبت پزشکی می‌باشند. مسئولان نظامی و حکومتی در منطقه‌ی "مرگه‌ور" ارومیه از ثبت شکایت خانوادگی لزگین شعبانی جهت پیگیری قضایی پرونده‌ی این کولبر ممانعت به عمل آورده بودند. پیشتر صالح نیکبخت، وکیل سرشناس کرد در گفتگویی با آژانس کردپا گفته بود: طی چند سال گذشته کلیه موارد مرگ کولبران کرد به صورت "شبه عمد" و "غیرعمد" تلقی گردیده و عاملان آن از پیگرد قانونی مصون مانده‌اند.

وی در ادامه افزود: نیروهای نظامی بدون هیچگونه خطاری کولبران کرد را هدف قرار داده‌اند. خبرنگار کردپا هویت دو کولبر جانباخته را فیصل وفایی و داریوش فقی‌پور از اهالی روستای "سوسن آباد" منطقه مرگه‌ور اعلام کرد. همچنین هویت کولبر زخمی شده، صیاد میرخان‌پور اهل روستای "براسب" عنوان شده است. چندی پیش نیز، در پی شلیک مستقیم نظامیان رژیم در ارتفاعات "دالانیر" به کولبران کرد، لزگین شعبانی اهل روستای "کوله‌بی" از توابع منطقه مرگه‌ور جان خود را از دست داد و دو کولبر دیگر به نام‌های امین و

سه کولبر دیگر در مرز ارومیه بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران کشته و زخمی شدند. به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، شامگاه شنبه ۱۳ شهریورماه در نتیجه شلیک نیروهای رژیم، مستقر در پایگاه مرزی ارتفاعات "دالانیر" از توابع منطقه‌ی "مرگه‌ور" ارومیه به کولبران کرد، دو کولبر کرد جان باختند و یک کولبر دیگر به شدت زخمی شده است. خبرنگار کردپا در ارومیه به نقل از یک منبع مطلع اعلام کرد: این کولبران کرد جهت تهیه مایحتاج زندگی به کولبری در مناطق مرزی روی آورده بودند.

هزاران اعدامی در زندان‌های ایران بلا تکلیف هستند



از جرایم به دلیل آسیب‌های موجود در جامعه از جمله بیکاری است. او در ادامه اضافه می‌کند: "بازداشت و زندان در پیشگیری از ارتکاب به جرم بازدارنده نیست". این مقام قضایی بدون اشاره به فرد و یا نهاد مشخصی خواستار چاره‌اندیشی برای ۴۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در زندان‌های کشور شد. حضرت‌پور از ارائه‌ی جزئیات درباره‌ی بلا تکلیفی و چاره‌اندیشی این تعداد اعدامی خودداری کرد. هر روز بین ۲ تا ۳ نفر در ایران به دار آویخته می‌شوند که اکثریت آنان از سوی دستگاه قضایی رژیم به خردید و فروش مواد مخدر متهم هستند.

یک مقام قضایی رژیم ایران از وجود ۴۵۰۰ شهروند محکوم به اعدام در زندان‌های کشور خبر داد. به گزارش آژانس خبررسانی کردپا، علی‌رغم صدور حکم اعدام برای هزاران نفر در ایران اما وضعیت پرونده‌ی قضایی آنها در "بلا تکلیفی" بسر می‌برد. یکی از اعضای کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی رژیم گفته که هم‌اکنون چهار هزار و ۵۰۰ اعدامی بلا تکلیف در کشور داریم. روح‌الله حضرت‌پور در گفتگو با خبرگزاری حکومتی ایلنا از "مشکل" و "معیوب" بودن قوانین قضایی کشور خبر داد و گفت: تکرار بسیاری

۱۲ زندانی در زندان مرکزی شهرستان کرج اعدام شدند

۱۲ زندانی در زندان مرکزی شهرستان کرج اعدام شدند



همچنین در شبکه‌های اجتماعی گفته شده که، سایت خبری-تحلیلی «بویش» نیز که به اصلاح‌طلبان نزدیک است، فیلتر شده است. گفته می‌شود سایت «پرشین خودرو»، و سایت «۹ صبح» نیز، فیلتر شده‌اند.

می‌گردیم که به ما علت را توضیح دهد، ولی تا به حال چنین فردی را پیدا نکرده‌ایم. مبین افزود: تا آنجا که من می‌دانم و به ما اعلام شده است، شکایت قابل توجهی از برنا وجود نداشته که این فیلترینگ را موجب شود؛ مگر اینکه شکایتی باشد که به ما اعلام نشده باشد.

دستگاه قضایی ایران، بعد از فیلتر کردن سایت «معماری‌نیوز»، چند خبرگزاری و سایت دیگر را هم مسدود کرد. خبرگزاری حکومتی میزان، وابسته به قوه قضائیه ایران، از فیلتر شدن دو خبرگزاری «موج» و «برنا» به دلیل شکایت در مراجع قضایی، با دستور قضایی خبر داد. این منبع آگاه همچنین گفته است دستور فیلترینگ چند سایت دیگر نیز به علت شکایت در مراجع قضایی صادر شد. سردبیر خبرگزاری موج از دلایل صدور این حکم اظهار بی‌اطلاعی کرد.

محمد مبین، مدیرعامل «برنا»، در گفت‌وگو با خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، با تأیید فیلترینگ این خبرگزاری گفت: به دنبال کسی

بر خلاف قوانین بین‌المللی و حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد که ایران به آن متعهد شده است. "احمد شهید" همچنین تأکید نمود که حکم اعدام در دادگاه‌های ایران نه تنها با استانداردهای بین‌المللی همخوانی ندارد، بلکه با قوانین داخلی خود ایران نیز هماهنگ نمی‌باشد و این خود جای نگرانی و بحث دارد. ایران بعد از کشور چین به عنوان دومین کشور در زمینه‌ی اعدام به شمار می‌آید که سالانه دهه‌ها نفر در این کشور به دلایل گوناگون به اعدام محکوم می‌شوند.

اسلامی"، "حسین بایرامی"، "مهدی رستمی"، "امیر سرخاه" و "علی رضا سرخاه" اعلام کرده است. این ۱۲ زندانی روز چهارشنبه سوم شهریورماه، به سلول انفرادی منتقل شده و روز پنجشنبه برای آخرین بار با خانواده‌هایشان ملاقات نمودند. اعدام این زندانیان در حالی انجام گرفت که یک روز قبل از اعدامشان، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل در امور ایران، از رژیم ایران درخواستی برای لغو حکم این ۱۲ تن را ارائه داده بود. به گفته‌ی "احمد شهید" مسأله‌ی اعدام در ایران

بر اساس صدور حکمی در دستگاه قضایی حکومت ایران، ۱۲ زندانی در زندان مرکزی شهرستان کرج اعدام شدند. بر اساس گزارش‌های رسیده به آژانس کردپا، ۱۲ زندانی به جرم مواد مخدر که به اعدام محکوم شده بودند، صبح امروز ششم شهریورماه در زندان رجایی شهر شهرستان کرج اعدام شدند. سایت سازمان حقوق بشر در ایران نام ۹ تن از ۱۲ نفر اعدام شدگان را به ترتیب "علیرضا مددیور"، "بهن رضایی"، "آرمان بهرامی"، "علی رضا اسدی"، "محسن